

### متن پرسش

با عرض سلام و ادب خدمت استاد گرامی: چه زیباست دیدن حس شور و شغف و شادی و غرور مردم باریکه غزه، نه حاصل توافق صلح یک ملت تسلیم شده که نتیجه ۴۷۱ روز پایداری و مقاومت و سر خم نکردن در برابر خواسته های اشقیاء و اشرار زمانه. حس پیروزی ولی نه پیروزی با محاسبات مادی، که دیگر شهری و خانه ای نمانده؛ حس غرور و پیروزی مرد میانسال غزه ای که در میان ویرانه خانه اش ایستاده بود و می گفت: «اینجا خانه من است که چهار بار توسط غاصبان صهیونیستی خراب شده و من بازهم آن را خواهم ساخت؛ آنها خراب می کنند و ما می سازیم!» بله دوباره می سازی ای مرد مقاوم و صبور و بدان با این ساختن فقط خانه ات را نمی سازی، تو با این ساختن روحیه صبر و مقاومت و حس غرور ملی مردمت را داری بازسازی می کنی. چه چیز غیر از استقامت و مقاومت ملت غزه می توانست این حس غرور و سربلندی را در آنها بیافریند؟ حس زیبایی که تمام محور مقاومت در آن شریک است همچون ملت مقاوم و با استقامت یمن. آری ملت یمن! به راستی چه چیز ملت محروم یمن را اینطور مصمم و با چنین اراده پولادینی به ملت غزه پیوند داد که اینگونه و با تمام وجود به صحنه آمد و از مظلومین غزه حمایت کرد؟ ملتی که خود با بالاترین محرومیت ها و مشکلات دست و پنجه نرم می کند چه حسی را در حضور در تظاهرات حمایت غزه و برائت از استکبار تجربه می کرد که حاضر بود تا پای جان ایستادگی کند. آیا این حس آشنایی نیست؟ آیا این همان حس نیست که ۴۶ سال پیش محرومترین قشرهای ملت ما را به خیابان ها کشید و ندای مرگ بر آمریکا سر داد؟ آیا این همان حس حضوری نیست که رزمندگان ما با آن در دفاع مقدس هشت سال حماسه آفرینی کردند؟ آیا این همان حس حضوری نیست که بعضی از ما در تحمل گرایی و رقابت در تعویض مدل ماشین و ویلا و ... گم کرده ایم و بعضی دیگر که محرومترند در حسرت نرسیدن به این چیزها؟ آیا این همان حس حضوری نبود که در اوایل انقلاب و در زمان دفاع مقدس علیرغم همه مشکلات و کمبودها به ما شور و شغف و سرزندگی می داد و ما را در صحنه ها حاضر می کرد؟ آیا این همان حس حضوری نیست که اگر با غرق شدن در محاسبات مادی آن را گم کردیم و نسبت به آن غافل شدیم خداوند این حس متعالی را از ملت ما گرفته و به ملتی که استحقاق بیشتری برای مبارزه با استکبار را دارد عطا می کند؟ التماس دعا

### متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: آری! این همان آغازی است که با «ایمان» و «امید»، آینده دیگری را مقابل

ما می‌گشاید و ما در آینهٔ پیروزی مجاهدان غزه، خود را دوباره تجربه می‌کنیم که چه فردای اصیلی در ما در حال طلوع است. فردایی که بیش از پیش، نه در غزه و نه در ایران، که در جهان حاضر می‌شویم. آن کس که برای ما افقِ حضور در آینده را گشود و دروازهٔ امید را برایمان باز کرد یعنی حضرت روح الله «رضوان‌الله‌تعالی‌علیه» به خوبی می‌دانست آغازگر چه تاریخی است، آغازگر تاریخی که تاریخِ حضور انوار معنویت است در میدان عقل تکنیکی. در آن صورت، شهرها، آری! شهرها از میان نمی‌رود ولی دیگر ملال‌آور نیستند.

آیا با روبه‌رو شدن با مردمِ پیروز غزه، می‌توانیم از خود بپرسیم در این تاریخ چه رویداده؟ و مگر ما در جبههٔ مقاومتی که آغاز شده، کجای تاریخ ایستاده‌ایم که جهان استکبار و ارتجاع دست در دست هم داده‌اند تا آن را نبینند؟ آیا به امکانات تاریخی که با انقلاب اسلامی برای بشریت پیش آمده است، نباید با جدیت تمام فکر کرد؟ این یعنی حضور در «جهانی بین دو جهان». و این یعنی «حضور نهایی انسان در جهانی که با اسلام شروع شد» <https://eitaa.com/matalebevijeh/18540> . موفق باشید